دلیل پنجم مانعین اعتبار رؤیت قبل از زوال

«الخامس»، دلیل پنجم است. روایاتی است که فرمودهاند اگر شب سیاه هوا صاف بود و نگاه کردی، روزه نگیر. اطلاقش روشن است. شب سی ام هوا صاف است و نگاه کردی، روزه نگیر. اگر رؤیت قبل از زوال مجزی بود باید بگویند اگر هوا صاف بود فعلا تا فردا ظهر صبر کن،اگر آن وقت ندیدی بعد بخور.

> **الخامس: إطلاق ما دلّ على الصوم أو الإفطار متى لم يتحقّق الرؤية ليلا، كصحيحة هارون بن خارجة، قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام: عدّ شعبان تسعة و عشرين يوما، فإذا كان متغيّما فأصبح صائما، و ان كانت مصحية و تبصّرت و لم تر شيئا فأصبح مفطرا.[1]**

«الخامس: إطلاق ما دلّ على الصوم أو الإفطار متى لم يتحقّق الرؤية ليلا»؛ شب که ندیدی، فردا ببین.

بررسی سند روایت هارون بن خارجه

«كصحيحة هارون بن خارجة»؛ در اینجا تعبیر به «صحیحة» دارند. این روایت هم در کافی و تهذیب آمده است. روایت «لیس علی المسلمین الا الرویه» روایت پنجم بود. روایت نهم همین روایت هارون بن خارجه بود. طرقی دارد که در کافی تنها یک طریقش صحیحه است. ایشان هم تعبیر «کالصحیحه» کردهاند. همان طرقی است که است که جناب ابن أبي عمير را دارد. در سند هم مقداری آشفتگی دارد. از کافی میخوانم.

> **أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي صَهْبَانَ عَنْ حَفْصٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَالِمٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عُدَّ شَعْبَانُ تِسْعَةً وَ عِشْرِينَ يَوْماً فَإِنْ كَانَتْ مُتَغَيِّمَةً فَأَصْبِحْ صَائِماً فَإِنْ كَانَتْ صَاحِيَةً وَ تَبَصَّرْتَهُ وَ لَمْ تَرَ شَيْئاً فَأَصْبِحْ مُفْطِراً[2]**

«عدة من اصحابنا» تکرار شده. چون وقتی می‌گویند **«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ»** یعنی در سند قبلی **«عدة من اصحابنا»** تکرار می‌شود.

«عَنْ بَكْرٍ»؛ در جاهای دیگر «محمد بن بکر» هست. «وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي صُهْبَانَ»؛ دو نفر شدند. این دو نفر از **«عَنْ حَفْصِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سالم»؛** ای عمر بن سالم. در اینجا حفص بن عمر بن سالم است، در نسخه‌ها کلمه «ابن»، «عن» شده. **«وَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيادِ بْنِ عِيسَى»**. بنابراین احمد بن محمد بن عیسی اشعری از دو نفر روایت می‌کند؛ ممکن است در «محمد بن بکر» کلامی باشد. اما در «محمد بن ابی صهبان» حرفی نیست. در «حفص بن عمر بن سالم» حرف هست، مجهول است. اما «محمد بن زیاد بن عیسی» که همان ابن ابی عمیر معروف است، در اشان حرفی نیست. **«عَنْ هارُونَ بْنِ خارِجَةَ»؛** ایشان هم خیلی جا افتاده و مشکلی ندارند. لذا سید که تعبیر به «صحیحه هارون بن خارجه» منظور طریقی است که در کافی است.

از نسخه وسائل هم عرض کنم.

> **وعنه، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن بكر، عن حفص بن عمر بن سالم ومحمد بن زياد بن عيسى جميعا، عن هارون بن خارجة قال: قال أبو عبد الله عليه السلام عد شعبان تسعة وعشرين يوما، فإذا كانت متغيمة فأصبح صائما، وإن كانت مصحية وتبصرت فلم تر شيئا فأصبح مفطرا.[3]**

«وعنه»؛ یعنی از شیخ.

«عن أحمد بن محمد عن محمد بن بكر، عن حفص بن عمر بن سالم»؛ اتفاقا صاحب وسائل از تهذیب نقل می‌کند ولی در تهذیب مطبوع در نرم‌افزار دارد «عن حفص عن عمر بن سالم». جالب است که در نرم‌افزار دارایه، حدیث کافی را خوب بررسی کرده‌اند اما در سند تهذیب همینطور به نحو مطبوع گفته‌اند ضعیف است؛ چون «عن حفص عن عمر بن سالم» است. نه حفص معلوم است که چه کسی است و نه عمر بن سالم معلوم است کیست. درحالی‌که در نسخه اینها دو تا شده. نمی‌دانم در نسخه‌های متأخر دارایه تصحیح کرده‌اند یا نکرده‌اند. در آن جا روی حساب ظاهر سند ضعیف می‌شود. اما مانعی ندارد که طور دیگری سر برسد. علی ای حال صاحب وسائل از خود تهذیب، حفص بن عمر نقل کرده‌اند. نه آن طوری که در تهذیب مطبوع است. همینجا که از تهذیب نقل کرده‌اند و اسمی از کافی نبرده اند، در باب شانزدهم به این صورت نقل فرموده‌اند:

> **وعنه، عن أحمد بن محمد، عن بكر ومحمد بن أبي الصهبان، عن حفص، عن عمرو بن سالم ومحمد بن زياد بن عيسى جميعا، عن هارون بن خارجة...[4]**

«و عنه»؛ یعنی محمد بن یعقوب عنه؛ عن عدة من اصحابنا، «عن أحمد بن محمد، عن بكر»؛ اینجا با کافی مطبوع موافق است. ولی در نرم‌افزار در سند کافی «محمد بن بکر» است. «و محمد بن أبي الصهبان، عن حفص، عن عمرو بن سالم»؛ یعنی چیزی که در تهذیب مطبوع است، در وسائل وقتی از کافی نقل می‌کنند دوباره همان مسامحه در عمرو صورت گرفته است. البته نمی‌دانم چاپ آل البیت به چه صورت است. وسائل من وسائل السلامیه است. بیست جلدی است.

شاگرد: در وسائل آل البیت دارد: «عن حفص عن عمر بن سالم».

استاد: در اینجا «عن» نمی‌خواهد ولی آمده، آن هم از کافی. درحالی‌که در کافی نرم‌افزار درست شده، در کافی مطبوع هم اشتباه است. چاپ پانزده جلدی کافی یادم نیست. کافی من هشت جلدی السلامیه است. کافی پانزده جلدی که جدید است نمی‌دانم سند را تصحیح کرده‌اند یا نه.

شاگرد: «عن حفص عن عمرو بن سالم».

استاد: باز هم «ابن» نیست.

شاگرد۲: در پاورقی از یک نسخه گزارش کرده‌اند که «حفص بن عمرو بن سالم» است ولی آن را ترجیح نداده‌اند.

استاد: به نظرم در نرم‌افزار تغییر داده‌اند. نقل کافی را تغییر داده‌اند.

خُب حال حدیث چیست؟

«قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام: عدّ شعبان تسعة و عشرين يوما، فإذا كان متغيّمة فأصبح صائما»؛ اگر غروب شد و دیدی هوا ابری است، صبح را روزه بگیر. چون نمی‌دانی شاید ماه بوده. معلوم است که احتیاط است. منافاتی با «لیس علی المسلمین الا الرویة» ندارد. اگر در اینجا رؤیت موضوعیت داشت، حضرت نمی‌فرمودند «اصبح صائما». لذا معلوم می‌شود «لیس علیهم» وجوب ندارد. الآن هم حضرت در اینجا تنزیها و احتیاطا می‌فرمایند صبح را روزه بگیر، دیشب غم بود و شاید ماه مبارک شده باشد. اصلاً منافاتی با «لیس علی المسلمین» ندارد.

«و ان كانت مصحية»؛ اگر هوا صاف بود. «کانت» به سماء می‌خورد. لذا قبلش هم باید «کانت» باشد. «و تبصّرت»؛ تو هم رفتی و نگاه کردی. گاهی هوا صاف است ولی نرسیدی ببینی، آن هم مانع ندارد و احتیاط کن و بگیر. اما اگر دیدی و نبود، **«فأصبح مفطرا»؛** دیگر خاطر جمع هستی و به‌صورت مفطر صبح کن. قبلاً از این روایت بحث شد که امر به «اصبح مفطرا» چه امری است.

> **و رواية الربيع بن والّد، عن الصادق عليه السّلام قال: إذا رأيت هلال شعبان فعدّ تسعة و عشرين يوما، فإن صحت فلم تره فلا تصم، و إن تغيّمت فصم**[5]

تا جناب ربیع بن والد، سند خوب است. خود ربیع مجهول است. لذا به‌خاطر ربیع که از امام نقل می‌کند، سند ضعیف می‌شود. به گمانم در کتب حدیثی تنها همین روایت را دارد. **«إذا رأيت هلال شعبان فعدّ تسعة و عشرين يوما، فإن صحت»؛** یعنی «فان صحت السماء». در کتب لغت نوعاً «اصحت» است اما در دو-سه کتاب لغت «صحت» هم دارند. «اصحت السماء و صحت السماء». صحو یعنی آسمان باز باشد. کشف شدن امری را صحو می‌گویند. **«فلم تره فلا تصم، و إن تغيّمت فصم».** این هم روایت ربیع بن والد.

> **و رواية محمّد بن مسلم، عن أحدهما عليه السّلام، قال: شهر رمضان يصيبه ما يصيب الشهور [من النقصان]، فإذا صمت تسعة و عشرين**

> **ثم ّتغيّمت السماء فأتم ّالعدّة ثلاثين[6]**

چون در سند این روایت «احمد بن حسن بن ابان» مجهول است، سند این روایت هم ضعیف می‌شود. سید هم تعبیری به روایت کرده‌اند. **«قال: شهر رمضان يصيبه ما يصيب الشهور [من النقصان]، فإذا صمت تسعة و عشرين ثم ّتغيّمت السماء فأتم ّالعدّة ثلاثين»؛** سی روز بشمار و روزه بگیر.

شاگرد: استظهار از این روایت موافق با استظهار حضرت عالی از روایات عدد هم هست.

استاد: یعنی صوم ثلاثین ناظر به این است که روایات عدد را نفی کند.

> **و رواية عبيد بن زرارة عن الصادق عليه السّلام قال: شهر رمضان يصيبه ما يصيب الشهور من الزيادة [و النقصان]، فإن تغيّمت السماء يوما فأتمّوا العدّة[7]**

از روایت عبید تعبیری به موثقه کرده‌اند. البته عبدالله بن بکیر به‌خاطر فطحی بودن ممکن است موثق شود. اما جلوتر‌ها صحبت شده که فطحیه غیر از واقفیه هستند. احتمال خیلی قریب این است: کسانی که به‌خاطر فطحی بودن روایت را موثق می‌کنند، آن روایت صحیحه است. چون شرائط در فطحی بودن، شرائطی است که عادی نیست. احتمال اینکه برای حفظ جان امام فطحی می‌شدند قوی است. اگر بگوییم به‌خاطر فطحی بودن موثقه است، موثقه کالصحیح است. چرا؟ چون خود فطحی بودن غیر از واقفی بودن است. علی ای حال موثق بودن این روایت به‌خاطر ابن بکیر است.

البته در این روایت محمد بن خالد اشعری هست. تعبیری که نجاشی برای ایشان دارد، این است که می‌گوید «قریب المرء». مرحوم نوری در مستدرک دارند، «قریب المرء» نوعی از مدح مطلق است. ولی خود نجاشی ذیل فراز دیگر دارد «قریب المرء فی الحدیث». یعنی حدیثش خوب است و بد نیست. مرحوم شیخ الطائفه در الفهرست تعبیری کرده‌اند: «قریب المرء الی اصحابنا القائلین بالأئمة الاثنی عشر». قریب المرء را گفته یعنی عامی است ولی خیلی نزدیک به اثنی عشر است. از عبارت شیخ «قریب المرء» به این صورت معنا می‌شود. یعنی در اعتقاداتش رفته‌اند. از حیث اعتقادات، قریب المرء الی اثنی عشر هستند. نه اینکه قریب المرء فی الحدیث باشد. البته مراد نجاشی هم می‌تواند همین باشد. «قریب المرء فی الحدیث» یعنی مدحی به این صورت دارد. خلاصه ایشان این مدح را دارد ولی توثیق صریح ندارد. **«شهر رمضان يصيبه ما يصيب الشهور من الزيادة [و النقصان]، فإن تغيّمت السماء يوما فأتمّوا العدّة»؛** این هم روایت عبید بود.

شاگرد: از اطلاقش استفاده می‌کنند که اشاره به فرد نشده.

استاد: بله، در این روایات می‌گویند اگر غروب ندیدی دیگر تمام شد، ثلاثین بشمار. مثلاً فرد را بخور ای اگر فرد آخر ماه مبارک است، روزه را بگیر. این اطلاق روایت است.

---

[1] همان

[2] الكافي- ط الاسلامية ونيسندہ : الشيخ الكليني جلد : ۴ صفحہ : ۷۷

[3] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ونيسندہ : الشيخ حرّ العاملي جلد : ۷ صفحہ : ۱۸۵

[4] ہمان ص۲۱۶

[5] رؤيت ہلال، ج۳، ص: ۱۹۷۹

[6] ہمان

[7] ہمان

بازبینی #1
ایجاد شدہ 5 آوریل 2026 13:04:18 توسط ... .
بہ روزرسانی شدہ 5 آوریل 2026 13:10:36 توسط ... .